



عدم پاسخگویی مشکل جدی نظام اداری

مسعود پزشکیان در نشست با فرماندهان عالی‌رتبه ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: «ارتقای بی ضابطه مدیران، عدم ثبات مدیریت و عدم پاسخگویی مدیران سازمان‌ها نسبت به عملکردها از جمله مشکلات جدی نظام اداری و اجرایی کشور است.» وی ادامه داد: «خوشبختانه ارتش جمهوری اسلامی ایران از این اشکالات مستثنی است و قدرت‌افزایی این نهاد ارزشمند به دور از رویکردهای جناحی در طول دهه‌های گذشته پس از پیروزی انقلاب اسلامی شایسته‌قدردانی است و جای تیریک دارد.» پزشکیان در بخش دیگری از صحبت‌های خود با تأکید بر اینکه قدرت و توان نظامی باید در جهت خدمت به مردم به کار گرفته شود، نه برای کشتن زنان و کودکان مظلوم‌وبی‌گناه، خاطر نشان کرد: «آنهايي که ادعای حقوق بشر و دموکراسی دارند به خاطر سوءرفتار یک حکومت با چند شهروند، زمین و زمان را به هم می‌ریزند، اما در مقابل چشم‌شان زنان، کودکان و بیمارستان‌ها در غزه را بمباران می‌کنند، اما صدایی از آنها بلند نمی‌شود و در نهایت وقاحت باز هم در پشت تربیون‌ها دم از حقوق بشر می‌زنند که بسیار شرم‌آور است. قطعاً اگر ما امروز این توان دفاعی را نداشتیم، این جنایتکاران بی‌شرمانه‌وبی‌رحمانه‌همین جنایات را علیه مردم ما مرتکب می‌شدند.»



نشست بررسی «نسبت نسل جوان با طالقانی» برگزار خواهد شد

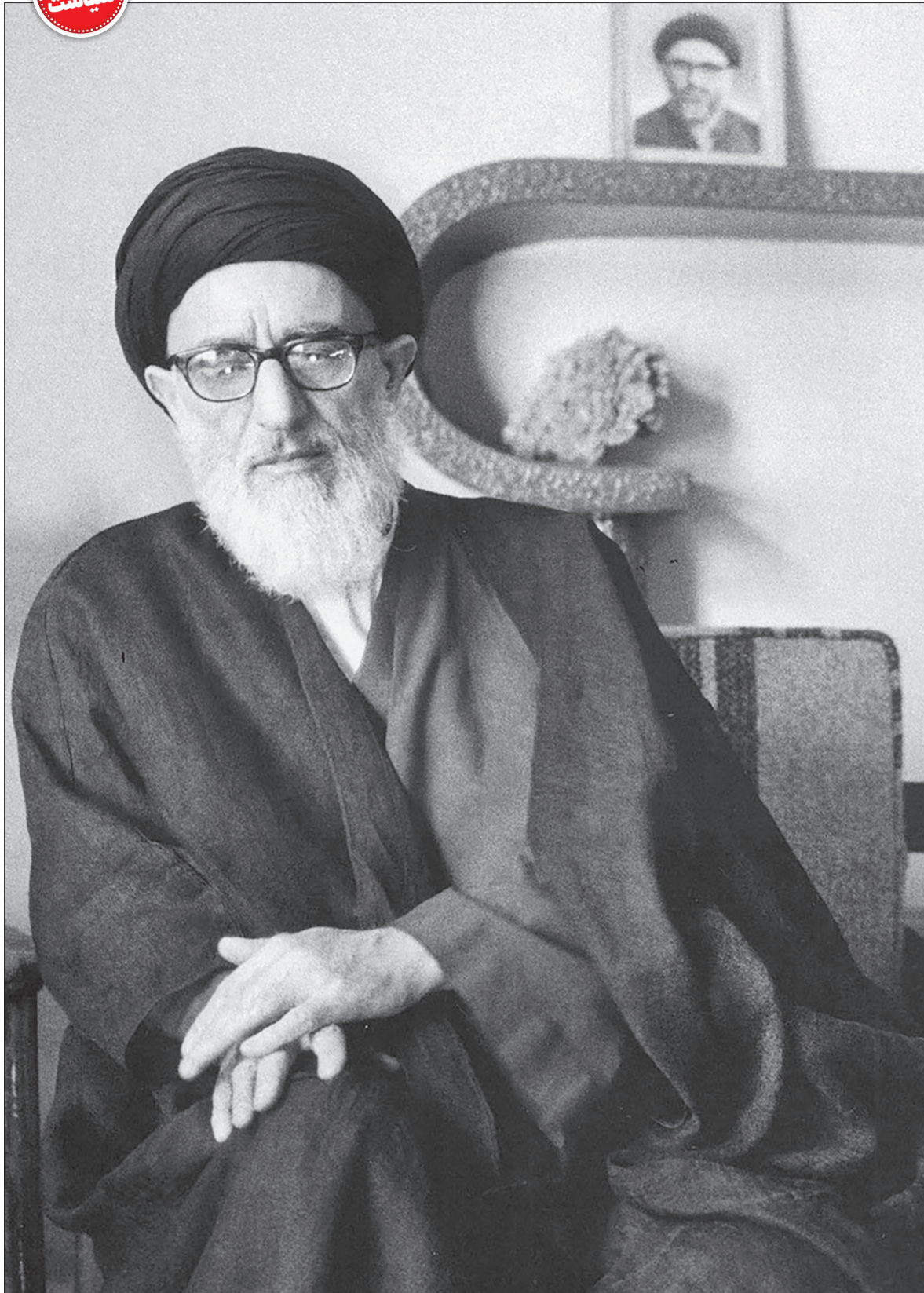
به مناسبت فرارسیدن چهل‌وپنجمین سالگرد درگذشت آیت‌الله طالقانی، نشست با موضوع «نسبت نسل جوان با طالقانی» روز پنجشنبه، ۲۲ شهریورماه برگزار خواهد شد. در این مراسم نسبت «نسل جوان امروز ایران» با اندیشه و کنش «مصلحان اجتماعی همچون طالقانی» با سخنرانی عباس کاظمی، نویسنده و پژوهشگر و محسن حسام‌مظاهری، نویسنده و پژوهشگر مسائل دین و تشیع بررسی خواهد شد.



ورود دادستانی تهران به ادعای جعل مدرک نامزد های نمایندگی مجلس

دادستانی تهران رسماً به ادعای مطرح شده پیرامون جعل مدرک تحصیلی توسط نامزد نمایندگی مجلس ورود کرد. مرکز رسانه قوه قضائیه اعلام کرد: روز گذشته مدیرکل امور دانش‌آموختگان سازمان امور دانشجویان در مصاحبه با یکی از رسانه‌های کشور گفته بود: «بیش از صد نفر از متقاضیان اخیر نمایندگی مجلس شورای اسلامی مدرک تحصیلی جعلی داشتند.» این گزارش حاکی است در پی اظهارات صورت‌گرفته دادستانی تهران ضمن ورود به موضوع مطروحه به اداره کل امور دانش‌آموختگان سازمان امور دانشجویان دستور داد ظرف مدت ۷۲ ساعت آینده اسامی و اسناد مربوط به افراد مورد اشاره در اختیار دادستانی تهران قرار گیرد. علی صالحی، دادستان تهران، با اعلام دستور ارسال اسامی و اسناد مربوط به ادعای صورت‌گرفته، گفت: «در صورت وصول گزارش از سوی مدیرکل امور دانش‌آموختگان سازمان امور دانشجویان ادعای مطروحه مورد صحت‌سنجی قرار خواهد گرفت و چنانچه چنین تخلفی از سوی افراد یادشده محرز نشود برای افراد متخلف پرونده قضایی تشکیل خواهد شد.»

تاریخ سیاست



سید وفاق

بررسی نظرات و عملکرد آیت‌الله سید محمود طالقانی در زمینه ایجاد وحدت ملی و حل اختلافات میان جریان‌های سیاسی

بر وفاق و اتحاد جامعه به ویژه احزاب و جریان‌های سیاسی می‌شد، آیت‌الله سید محمود طالقانی است که در برهه‌های مختلف زندگی‌اش معمولاً در راستای کاهش اختلافات و تنش‌ها برای پیشبرد حرکت‌های اصلاحی و انقلابی عمل کرده است؛ کسی که بر اساس اسناد مختلفی که از فعالیت سیاسی او منتشر شده است، در زمانی میانجی در اختلافات فدائیان اسلام و محمد مصدق، نخست‌وزیر بود که منتقد دولت و وزرای او بودند (سندبه شماره پرونده ۹۱۶/ مرکز اسناد انقلاب اسلامی) و زمانی هم در پی ایجاد وحدت میان انقلابیون و روابط با سازمان مجاهدین خلق، این تشکیلات از او با عنوان «پدر طالقانی» یاد می‌کرد. چهره‌ای که از «جبهه ملی» و «نهضت آزادی» تا همه تشکیلات حاضر در انقلاب برای او احترام ویژه‌ای قائل بودند. سخنران اولین مراسم سالگرد محمد مصدق بر سر مزارش پس از پیروزی انقلاب اسلامی شد و در این سخنرانی از ضرورت حضور همه برای حل مشکلات کشور سخن گفت و از جریان‌های مختلف خواست اختلافات را کنار بگذارند. آنجا که برخی مردم نگران از تصمیمات درباره پوشش بودند؛ او صدای انتقاد مردم را شنید و به سرعت به آن واکنش نشان داد و گفت: «هیچ کس زنان را به داشتن حجاب اسلامی مجبور نمی‌کند (روزنامه کیهان، روز یکشنبه ۲۰ اسفند ۵۷)» و با همین سخنان ناآرامی ایجاد شده را به آرامش سوق داد و البته امام خمینی هم از او با نام «ابوذر زمان» یاد می‌کند. در چهل‌وپنجمین سالگرد درگذشت آیت‌الله سید محمود طالقانی نگاهی به تلاش‌هایش برای وفاق و وحدت خواهیم داشت.



سمیه متقی

دبیر گروه سیاست

طالقانی و میانجیگری در اختلافات

«مرحوم آیت‌الله طالقانی یک چهره بسیار محبوب بودند. محبوبیت ایشان در زمان حیات‌شان و همچنین در مراسم بزرگداشت ایشان، کاملاً عیان بود. به این دلیل، گروه‌هایی سعی می‌کردند خودشان را به ایشان نزدیک کنند و عاطفه اجتماعی ایشان را به‌خصوص در رابطه با نسل جوان برانگیزند و حمایت ایشان را جلب کنند و ایشان مکرر می‌گفتند که من می‌دانم نقص و انحرافی را که در این گروه‌ها هست، ولی می‌ترسم اگر آنها را به حال خودشان بگذاریم وضع‌شان از این هم بدتر شود. منطق ایشان این بود. بنابراین به آنها مجال می‌دادند که با ایشان آمد و شده‌ها و ارتباط زیادی داشته باشند...» اینها بخشی از سخنان آیت‌الله سید محمد بهشتی در مراسم بزرگداشت ایشان بود که به محبوبیت او در میان جریان‌های مختلف اشاره داشت؛ همان موضوعی که ۱۷ سال بعد لطف‌الله میثمی، از چهره‌های ملی-مذهبی درباره این ویژگی او چنین گفت: «آیت‌الله طالقانی سبمل و نمادی از وفاق ملی بود. آیت‌الله طالقانی سعی داشت با کارکردهای عملی، تضادهای موجود در جامعه را از بین ببرد. طالقانی مارکسیسم را یک فرضیه می‌دانست و اعتقاد داشت کسانی که به مارکسیسم روی آورده‌اند نباید با برخوردی نادرست روبرو شوند. آنچه که طالقانی را سبمل وفاق ملی کرده است، اعتقاد ایشان نسبت به باورهایش بود.»

چنین نقش آفرینی آیت‌الله طالقانی، چه پیش از انقلاب و در میانه اختلافات فدائیان اسلام و محمد مصدق و دولت او و چه در زمان شکل‌گیری جبهه ملی و پس از آن نهضت آزادی که خودش از مؤسسان آن بود و همچنین در بحبوحه انقلاب و اختلافات میان انقلابیون مشخص است تا جایی که اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان و تشکل‌های مختلف دانشجویی نیز او را معتمد خود می‌دانستند (دیدارهای اعضای انجمن‌های اسلامی با طالقانی به روایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی) و حتی بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق، خود را از هواخواهان مهدی بازرگان و آیت‌الله طالقانی معرفی می‌کردند. چنانچه محمد حنیف‌نژاد، از مؤسسان مجاهدین خلق از علاقه وافر که به ایشان داشت سخن می‌گفت و در شهریور ۱۳۵۰ به دنبال لو رفتن سازمان و دستگیری بیش از پنجاه نفر از کادر رهبری و اعضای فعال سازمان و اعتراف یکی از اعضای آن به ارتباط طالقانی با مجاهدین خلق، آیت‌الله طالقانی نیز دستگیر و چندی بعد به زایل تبعید شد.

چه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و چه پس از آن سازمان مجاهدین خلق و بسیاری از گروه‌های دیگر هر باری که به کمک نیاز داشتند دست به دامان ایشان می‌شدند؛ چنانچه وقتی گروهی از اعضای سازمان مجاهدین خلق بعد از ماجرای هواپیماربایی از دُبی به عراق منتقل شدند، اعضای سازمان برای ممانعت از تحویل آنها به حکومت ایران، از آیت‌الله طالقانی کمک خواستند تا او ضمن نگارش نامه به امام خمینی که در آن دوران در نجف حضور داشتند کاری برای آنها بکند. به همین منظور «آقای طالقانی نامه‌ای در یک تقویم جیبی و با خط نامرئی» خطاب به امام نوشت و از ایشان خواست برای آزادی آنان از زندان بغداد تلاش کنند. همچنین مهدی طالقانی، فرزند او نیز به یاد می‌آورد: «زمانی که دفتر مجاهدین [خلق] در خیابان ولیعصر (عج) را گرفتند و تخلیه کردند، مسعود رجوی خیلی ناراحت شد و با یکی دو نفر از دوستانش آمدند منزل ما که به مرحوم پدرم شکایت کنند. مرحوم شانه‌چی که مسئول دفتر پدرم بود، به آنها گفت آقای طالقانی به‌شدت از شما ناراحت است و بهتر است که پیش او نروید. اما آنها اصرار کردند که ما حتماً باید ایشان را ببینیم و رفتند به اتاق مرحوم پدرم. پدرم به‌شدت با آنها برخورد کرد و از منزل بیرون‌شان کرد.»

در این بین بنا بر خاطرات موجود از ایشان، او در تلاش بود هر آنکه امکان حفظش در حکومت جمهوری اسلامی ایران از حکومت پهلوی بود، باقی بماند. مهدی طالقانی در این زمینه گفته است: «عده‌ای بعد از انقلاب فکر کردند هرکس حتی آن فردی که در بیمارستان دربار پرستار بوده را باید با خشم انقلابی اعدام کرد. آیت‌الله طالقانی همیشه عدالت و برخورد عادلانه را مدنظر داشت و می‌گفت این افراط‌هاست که آینده خطرناکی دارد. همان زمان دو نفر از سران رژیم را آوردند دفتر آیت‌الله طالقانی که یکی از آنها، آزمون بود. یکی از آقایانی که در دفتر حضور داشت با مشت کوبید به صورت آزمون، آقا این صحنه را دیدند و به شدت با آن برخورد کردند و گفتند شما به چه حقی قبل از دادگاهی شدن متهم، او را می‌زنید؟ ضمناً آدگاه مجازات‌ش را معلوم می‌کند، نه شما. یک بار دیگر نیک‌بکی، شهردار سابق تهران را آوردند دفتر آقا. برادرم یک مشت زد به صورت او، باز آقا دید و با اصرار از نیک‌بکی خواست که همین کار را با برادرم بکند و انگار نه انگار که پسرش است. به هر حال، پدرم بسیار دیدش باز بود و می‌دانست که چه اتفاقاتی خواهد افتاد و خط نفاق در آینده چگونه گریبان‌گیر نظام خواهد شد. اعتقاد پدرم این بود که هیچ‌وقت نمی‌شود با خشونت خط نفاق را از بین برد (ماهنامه نسیم بیداری).»

طیف‌ها و چهره‌های مختلف از اعضای نهضت آزادی تا غلامعلی حداد‌عادل، عباس شبیبانی، جلال آل احمد و بسیاری از چهره‌های سیاسی پیش و پس از پیروزی